

# تربیت و سازندگی دختران

قسمت نهم

دکتر علی قائمی

● ایمان به خدا از شکستن وجدان و از دست دادن قدرت داوری جلوگیری می‌کند و این خود عامل مهمی برای حفظ دختران از آسیب‌هاست.

● منطق و با عقل به تنهایی نمی‌توانند به ما نیروی زیستن بر وفق طبیعت اشیاء بدهند و فقط به روشن کردن راه، قناعت می‌کنند.

● آن جرأت و شجاعتی که حتی مصلحان، پاکبازان، و مجاهدان را به پیش می‌برد، در دین پیدا می‌شود و با نیروی ایمان تدارک می‌شود.



مقدمه

لغت امن به معنی اطمینان، آسایش، آرامش دل، بی‌ترسی، بی‌ترس شدن، ایمان عینی گردیدن، عقیده داشتن و از شاخه‌های آن لغت امنیت به معنی در امان بودن، آرامش و آسودگی است. بدین سان در توجیه آن می‌توان گفت ایمان به معنی داشتن آن عقیده و اندیشه‌ای است که دل بدان مطمئن و روان از آن در آرامش است و مؤمن کسی است که به عقیده و فکری ایمان دارد و در آن راه سیر می‌کند و مراقب است از مسیر منحرف نشود و در اصطلاح مؤمن همان مصدق است.

ما در این بحث از ایمان دختران سخن داریم و غرض از آن ایمان به مذهب و تعالیم اسلامی است که از جانب پروردگار آمده و ریشه در روان و درون او دارد و انسان فطرتاً برای آن فداست قائل است و اعتقاد بسیاری از روانشناسان و مربیان این است که چنین باور داشتنی زمینه ساز کنترل و مراقبت است.

## عناصر ایمان

در رشد و پرورش ایمانی دختران مخصوصاً با توجه به تجلی عملی آن، دو عنصر عمده دخالت دارند:

۱ - عقل فطری یا هوش و خرد است که خداوند بر اساس اصل روابط علت و معلولی و نظام حاکم بر جهان و هم بر مبنای حکمت عالی خود به هر کس میزانی از آن را عطا کرده است و طبیعی است که برای پرورش آن باید از تفکر استفاده شود و از سیر دادن فرد در آفاق و انفس.

اینکه تفکر یکساعت معادل عبادت چندین ساله ذکر شده و یا فرموده اند هیچ عبادتی چون تفکر نیست و هم اینکه قرآن از راه ارائه آیات ما را به سیر در آفاق و انفس دعوت می‌کند. <sup>۱</sup> به دلایل متعددی است که شاید یکی از آنها همین امر باشد.



۲ - اراده و قدرت آن که نقش استارت و بکار انداختن نیروی محرک را در آدمی بازی می‌کند و باید پیروده، رشد یافته و مبتنی بر ضوابط عقل و خرد باشد و عواطف جاشنی آن باشند. اگر عقل و عاطفه در این راه همراه نباشند امیدوی به حرکت آدمی و سیر به سوی هدف نخواهد بود.

در کل به این نکته باید توجه داشت آنچه آدمی را به عمل وامیدارد عقیده است. منطق و یا عقل به تنهایی نمی‌توانند به ما نیروی زیستن بر وفق طبیعت اشیاء بدهند و فقط به روشن کردن راه، قناعت می‌کنند. آن عقیده از طریق همکاری عقل با عاطفه، و از راه مشاهده آثار و پدیده‌های آفرینش، چه آنها که در جهان واقعیت بیرونی هستند و چه در جهان واقعیت درونی حاصل می‌شوند.

### نقش و اهمیت ایمان

ایمان قدرت نیرومند و بزرگی است که میزان آن را از راه تراز و نمی‌توان سنجید، ولی به هنگامی که فرد در بوته امتحان قرار می‌گیرد حد و میزان آن معلوم می‌گردد. توان آن در دختران و طبقه زنان بیشتر است چون با شرایط عاطفی و رفتی‌های آنان دمسازتر است. به عبارت روشن‌تر بگوییم در زنان و دختران خداترسی و مراقبت از خود به سبب ایمان بیشتر است تا در مردان و پسران.

ایمان در تمام مراحل حیات پیوستگی انسان را با خدا و در نتیجه پدیده‌های او، و موضع‌گیری درست او را در قبال امور تضمین می‌کند. ایمان به خدا ضامن اجرای اوامر وجدان اخلاقی و سایر سجایای انسانی است. بهترین پناهگاه بشر و بزرگترین عامل اطمینان روح و آرامش نفس است. در طوفانهای زندگی، در تحریک‌ها جنبش‌های خطرآمیز نفس، هیجانها را تعدیل و کنترل می‌کند.

ما آن را پلیس خوش خوی درونی معرفی می‌کنیم که در موارد لازم برای موضعگیری‌ها

با زبان نرم و لسی جدی و قاطعانه از ما می‌خواهد که راه صواب را در پیش بگیریم. برای دختران هم چون پدری مهربان است و آنها اوامر او را خیرخواهانه و در عین حال هشدار دهنده تلقی می‌کنند. در کل به فرموده امام صادق (ع) عامل اطاعت و پرهیز از نافرمانی می‌شود<sup>۷</sup>

### آثار ایمان در زندگی دختران

آثاری که ذکر می‌شود تنها برای دختران نیست بلکه پسران هم در آن شریکند ولی ما بحث را به گونه‌ای تنظیم کرده‌ایم که مباحث ما با خصایص حیات زنانه سازگارتر باشد و طبیعی است که در این بحث از ایمان دختران نسبت به خدا و نظارت او در همه امور و همراه بودن او با انسان (هو معکم اینما کنتم<sup>۸</sup>) سخن می‌گوییم.

۱ - نجات از تنهایی: تنهایی عامل وسوسه و صدمه است، مایه آزار روح است، سوق دهنده به سوی خطرات است چه شرایط آن بر آدمی تحمیل شود مثل زندگی در زندان، و چه بر اثر مرض و نابسامانی روانی برای فرد پدید آید ایمان به خدا سبب می‌شود که آدمی خود را در تنگناها تنها حس نکند.

در آن هنگام که به عللی آدمی احساس کند از همه جا مانده شده و کسی نیست که با او همدم و همراه باشد گویی این ندای درونی را می‌شنود که خدا می‌فرماید من با شما هستم (وقال الله انی معکم<sup>۹</sup>) از طریق صبر و صلوة از من مدد جوی که خدای با صابران است: احساس تنهایی و جدایی از جمع، زمینه‌ساز اختلالات روانی است<sup>۱۱</sup> پیامبران آمده‌اند و ارتباط منقل بین خدا و بنده پدید آورده‌اند تا آدمی هرگز تنها نباشد.

۲ - آرامش بخشی: هیجانها و عواطف در مواردی آدمی را از جاده اعتدال دور می‌سازند. اضطرابها و تشویشها در مواردی قرار و آرام را از آدمی سلب می‌کنند. این امر

در سنن نوجوانی شدیدتر است زیرا که تغییرات و تحولات جسمی و درونی، وضع آدمی را بر هم می‌زنند و او را دچار نوعی بیقراری می‌کنند.<sup>۱۲</sup>

در چنین وضع و حالی و اصولاً در همه احوال در سایه ایمان به خدا و ذکر و یاد او دل آرامش می‌یابد (الا بسذکرا لله تطمئن القلوب<sup>۱۳</sup>). آرامش ناشی از ایمان به خدا فواید آرامش دهنده را داراست ولی زیانهای آن را ندارد. زیرا آدمی شخصیت خود را تعالی یافته می‌شناسد نه خرد و سرکوب شده. احساس قرب به بارگاه بزرگواری بینهایت را داراست، نه فردی زبون و ملامتگر که بعدها لذت آرامش را با تلخی و سرزنش زائل سازد.

۳ - یافتن قدرت روحی: توانمندی روح و به انکای آن به پیش رفتن از اموری است که آدمی حتی ناخودآگاه در پی یافتن آن است. در شبی تاریک، در حین عبور از کوچه‌ای تاریک با خود زمزمه می‌کند و حتی آواز می‌خواند که روحیه‌ای بیابد و با جرأت به پیش رود.

احساس یار و همراه برای قدرتمندی روح نقشی فوق العاده دارد. روان انسان گرسنه و ضعیف و محتاج به چنین تقویتی است. و اعتقاد به خدا و همراهی او خوفها را از دل بیرون می‌راند و یا به فرموده قرآن آن کس که مؤمن به خداست حتی به میزان کمی هم ترسی ندارد (فمن یؤمن برته فلا یخاف بخصاً ولا رهقاً<sup>۱۴</sup>).

چنین قدرتی برای دختران، بویژه آنها که در سنن نوجوانی (بلوغ) هستند، امری مهم و ضروری است. او با دلالت دین و قدرت روحی ناشی از ایمان حتی در ذریای پر از قلق و اضطراب و حتی با ملاحظه کرانه‌های وحشتناک شجاعانه به پیش می‌رود زیرا قدرت بینهایتی را با خود همدم و همراه می‌یابد. آن جرأت و شجاعتی که حتی مصلحان، پاکبازان، و مجاهدان را

به پیش می‌برد، در دین پیدا می‌شود و با نیروی ایمان تدارک می‌شود.

۴ - بیداری وجدان: رابطه با خدا همه رندها و پیشرفت‌ها را در مسیر انسانیت قرار می‌دهد. از آن بابت که وجدانها بر اثر آن بیدارند و بخاطر بیداری متکی به حقند و از لغزش‌ها دور و برکنار می‌مانند.

اسلام برای پاک و روشن کردن ضمیر فرد اهمیت بسیاری قائل است و قلب و وجدان و روح او را به خدا مربوط می‌سازد و آدمی را به اطاعت پروردگار تربیت می‌کند، طوری که فقط خدا را در نظر گیرد و فقط از خدا بترسد.<sup>۱۰</sup> ایمان به خدا از شکستن وجدان و از دست دادن قدرت داور جلوداری جلوگیری می‌کند و این خود عامل مهمی برای حفظ دختران از آسیب‌هاست. آن کیمیایی که بشریت به ستوه آمده از جرورها و شرارتها و مفساد بدنیا ل آن است. وجدان بیدار و درست اندیش و مدافع از هستی و شرافت است که در سایه ایمان پلیسی همیشه بیدار برای ما می‌ماند.<sup>۱۱</sup>

۵ - رشد اخلاق و عفت: مقدسان و پاکان خود را به عالیترین مراحل رشد اخلاقی می‌رسانند از آن بابت که نقطه نهایی اوج آنها عبودیت و رسیدن به کمال قدرت و بینهایت است. پیوستگی به وجودی نامحدود خود از عوامل مهم رشد و سرکوب کردن همه مشکلاتی است که در سر راه رشد وجود دارد.

از سوی دیگر ایمان موجد آرامش روانی و مسؤلیت درونی است آدمی که خداوند را در زندگی ناظر و شاهد می‌داند و این خود موجد روح آرام و عمر طولانی است<sup>۱۲</sup> و در سایه آن احساس مسؤلیت، مراقبت بر خود، آگاهی از اینکه بر او چه می‌گذرد، در او رشد می‌یابد و سعی دارد ضوابط الهی را بر روابط خود حاکم سازد. هم چنین الگوهای اخلاقی در مذهب خود کشاننده مؤمنان به سوی رشد و همانندی است و این خود عاملی مهم در سازندگی اخلاقی است.

۶ - تعدیل غرایز: ایمان نیرومندترین و

مطمئن‌ترین قدرتی است که می‌تواند بر غرایز غلبه کند و احساسات را تعدیل نماید مؤمن به خدا قادر است در مقابل هرتماییلی غیر مشروع مقاومت کند و بیروز شود.<sup>۱۳</sup> وهم خداپرستان واقعی علاوه بر اینکه می‌توانند با قدرت نیرومند ایمان غرائز و شهوات خود را تعدیل نمایند و بر هوای و تمایلات نفس مسلط شوند، قادرند در هجوم حوادث شخصیت خود را حفظ کنند و در برابر ضربات طاقت فرسای مصائب و آلام زندگی خوبشتر را نگاه دارند و دچار نگرانی و اضطراب نشوند.<sup>۱۴</sup>

۷ - در نشاط زندگی: او در سایه ارتباط با خدا، ایمان به رحمانیت او، استمداد از او، توکل به او می‌تواند چهره خویش را شاداب و بشاش نگه دارد و با امید به پیش رود. اصولاً پیشروی در زندگی با امید و اطمینان در طول عمر و زیبائی اومؤثر است.

دو اصل مهم نشاط زندگی او این است که به فرموده امام صادق (ع) وقتی خشمگین شود غضبش او را از حق بیرون نمی‌برد و به هنگامی که راضی و شادان باشد، رضایتش او را در کار باطل وارد نمی‌سازد (انما المؤمن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق والذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل)<sup>۱۵</sup> با همه اصراری که بر چند احساساتی بودن دختران است ضروری است آنها آرام، خوددار و خونسرد باشند تا بتوانند خود را کنترل کرده و افکار و احساسات خود را کنترل نمایند و ایمان چنین قدرتی را داراست و کلاً مذهب حالت مقاومت به افراد می‌دهد و آدمی را وامی‌دارد که سختی‌ها را بخاطر ایمان متحمل شود.

۸ - در عزم و قاطعیت: ایمان در دختران ضامن اجرای مقررات و ضوابط است زیرا به آدمی قدرت اتکا می‌دهد وجدان اخلاقی را تقویت کرده و او را در اجرای نقش خود کمک خواهد داد. این امر بدان خاطر است که ایمان به خدا سرگردانی و سردرگمی را از

میان برمی‌دارد که این خود سبب پیدایش عزم است.

اینکه برخی از افراد تا حد مرگ به پیش می‌روند و تن به سوخته شدن و کشتن و کشته شدن می‌دهند و از چیزی هراس ندارند به آن دلیل است که در آن زمینه ایمان دارند و وسوسه‌ای به خود راه نمی‌هند. مثلاً وقتی در نماز الله اکبر می‌گویند همه خدایان دروغین را ترک کرده و بر قدرتهای پوشالی خط بطلان می‌کشند.

این یک اصل علمی است که به گفته «کارل» وقتی روح ما زیاده از حد تعادل در موضوعی بخصوص عمیق شد و زندگی خود را وقف آن نمود تغییر بزرگی در ظاهر حال آن شخص پدید می‌آید.<sup>۱۶</sup> به عبارت دیگر تغییرات و تحولات درونی زمینه را برای دگرگونی بیرونی فراهم می‌آورند.

### عوارض عدم ایمان

ارزش ایمان و عقیده به هنگامی است که با عدم آن در جامعه‌ای و یا در بین گروهی مواجه شویم. آنها که درباره برنامه‌ای و کاری اعتقاد ندارند با تمام وجود در آن وارد نمی‌شوند و تلاش و کوشش شان عمیق و جدی نیست. بعلاوه در رابطه با مشکلات و دشواری‌ها نمی‌توانند درست تصمیم بگیرند و عمل کنند.

دانش و معلومات نمی‌تواند حافظ همه ارزشها و مدافع حنیت انسانی باشد و این درباره دختران صادق است به گفته مؤلف کتاب راه نو: ما اعتقاد داریم که سواد به تنهایی نمی‌تواند عامل حفظ شرافت و اصالت باشد زیرا می‌بینیم که فساد اخلاق در میان دختران تحصیل کرده بیشتر از طبقات بیسواد شایع است<sup>۱۷</sup> پس باید ایمان را در آنان تقویت کرد تا عامل کنترل باشد.

به گفته یکی از بزرگان، انسانی که از خداوند جداست، همچون برگی است که از درخت جداست، قادر به تغذیه نیست، نمی‌تواند خود را اداره کند و برای خود راه

رشدی شناسد و به پیش رود. به هر میزان که جنبه عاطفه و احساس در او قویتر، این عدم توان بیشتر و زیادتر و بدین سبب است که ضربه عدم ایمان و یا سستی و تزلزل آن در دختران و زنان بیشتر است.

### پرورش ایمان

پرورش ایمان برای همه افراد و مخصوصاً برای دختران امری مهم و اساسی است. برای حفظ عفت و شرافت او، نجات از سردرگمی و سرگردانی او، دوری از انحراف و نابسامانی، ضروری است رابطه ای مأنوس بین او و خدا ایجاد کنیم و در دختران خود ستایشی و نیایشی نشأت گرفته از احترام پدید آوریم. گفتیم که ایمان و مذهب عاملی برای حفظ و جلوگیری بسیاری از نابسامانیهاست.

در پرورش آن استدلالهای عقلی برای

کودکان ضرورت ندارد تنها نیروی فطری و شناخت طبیعی که در نهاد اوست برای پرورش ایمان کافی است.<sup>۲۳</sup> به وجود خدا فطرت گواهی می دهد و روان خدا آشنا، آن را تأیید می کند و عقل مستدلاً از آن حمایت می نماید.

در این راه والدین و مربیان را وظیفه ای سنگین و نقشی مؤثر است. و در این زمینه به نقش مادرانکا می کنیم و گفته مهم «زان راندولف» سیاستمدار مشهور امریکا را ذکر می کنیم که گفته بود:

«فقط یک چیز از شرک و خدانشناسی من جلوگیری کرد و آن خاطره ساعتی بود که مادرم در بستر مرگ دستهای کوچکم را گرفت و مرا بر روی زانو نشانید و کلمه توحید را بر لبهام جاری ساخت<sup>۲۴</sup>».

● پی نوشتها:

۱- فرهنگ عبد

۲- المنجد، ج ۱

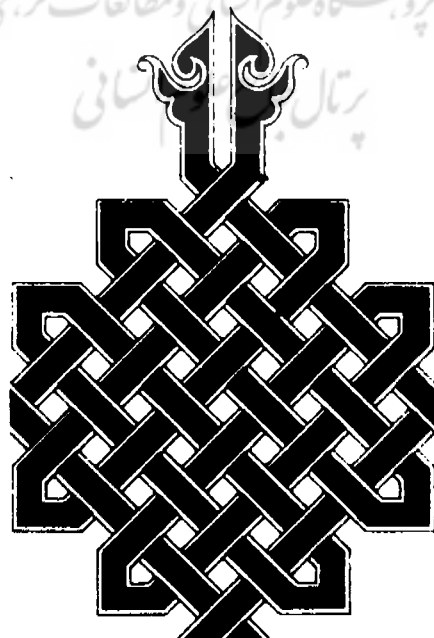
- ۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۲
- ۴- سورة فصلت، آیه ۵۳
- ۵- راه و رسم زندگی، امام سجاد (ع)، ص ۱۳۰
- ۶- کودک، فلسفی، ج ۱، ص ۴۶۰
- ۷- سفینه، ج ۱، ماده امن
- ۸- سورة حدید، آیه ۴
- ۹- سورة مائده، آیه ۱۲
- ۱۰- سورة بقره، آیه ۱۵۳
- ۱۱- تحقیقات برت، روان شناس انگلیسی
- ۱۲- نوجوانی، دکتر جعفر کرمانی، ص ۶۶
- ۱۳- سورة رعد، آیه ۲۸
- ۱۴- سورة جن، آیه ۱۳
- ۱۵- جامعه شناسی تاریخی زن، ص ۸۳
- ۱۶- وجدان، محمد تقی جعفری
- ۱۷- آرامش تن و روان، ص ۹۹
- ۱۸- کودک، فلسفی، ج ۱، ص ۴۴۰
- ۱۹- همان مأخذ، ص ۴۵۳
- ۲۰- سفینه، ج ۱، ص ۳۷
- ۲۱- انسان موجود ناشناخته، الکیس کارل، ص ۹۴
- ۲۲- راه نو، ج ۲، ص ۲۵
- ۲۳- کودک، ج ۲، ص ۱۸۴
- ۲۴- اخلاق، اسمایلز، ص ۵۴

### و کمال پختگی و بلوغ معلم در آن است که:

- از قبول مسئولیت نگریزد.
- در پی جست و جوی تقصیر در متعلمان نباشد.
- سامان بخش جامعه و بازساز استعداد نهفته نوآموزان باشد.
- الگوی ایمان، معیار محبت و کانون مهرورزی باشد.
- خویشتن دار، محتاط و همه سونگر باشد.
- رفتار و کردارش به گونه ای منظم شود که دانش آموزان از او تصویری استوار و عمیق در احساس و اندیشه خود داشته باشند.
- وحدت اندیشه و اتحاد عمل در دانش آموزان فراهم کند.
- اعتماد به نفس، شهامت، صراحت و قاطعیت داشته باشد.
- تقوا ورزد و برای هدم مُنکرات قیام کند.

## کمال معیشت و حکم

ایرج تبریزی



- گزیده گو، موقع شناس و ایمان برانگیز است.
- جدی است و شوخی و لطف و قهر او نیز در خدمت این کیفیت و نبل به هدف آرمانی است.
- در تصمیم خود با برجاست و دستخوش تردید و تزلزل و دوگانگی و دوگونگی نمی شود.
- خودنگر، خودنگار، خودمحور و خودپسند نیست.
- با ظاهرینی، تجمل دوستی، قالب ستایی و زبان بازی مخالف است.
- در جهان بی تفاهم، پرخاشگر و خودکامه امروز، به دانش آموزان درس دلبری، پامردی و ایستادگی می آموزد و با تفرقه و سوداگری مبارزه می کند.
- زندگی را داشتن آرمان و کوشش برای تحقق آن می شمارد، احساس رسالت می کند و به محدوده ها و محدودیتها بی اعتناست.
- معیارگر و مصلح نظام ارزشها در روزگار خویش است.